



تخصص در کنار تجربه

مصاحبه با معصومه رضایی و فاطمه عسکری
(گزارشگران رادیو ایران)

● فاطمه شیرین

کمتر چیزی روشن‌تر و نشاط آورتر از شنیدن دیدگاه‌هایی است که غالباً امکان ابراز ندارند. یعنی مردان و زنانی معمولی که دعوی آنان در سخن در همین حد است که یافته‌های خود را متعلق به هزاران فرد دیگر اعلام کنند.

و فضای کار در گذشته به این صورت بود که وقتی در سطح شهر برای تهیه گزارش می‌رفتیم مردم با گل و شیرینی از ما استقبال می‌کردند و مشتاقانه مصاحبه با ما می‌پذیرفتند. اما متأسفانه در حال حاضر فضا سنگین شده است و برای من حتی سخت شده که بروم و مصاحبه انجام دهم، چون مردم به علل گوناگون روحیه سابق را ندارند. یک علت می‌تواند این باشد که مردم از فضای رادیو دور شده‌اند و تصور می‌کنند رادیو حرف خود را می‌زند و مردم هم دنبال مسائل و مشکلات خود هستند. علت دیگر شاید این باشد که مردم با میکروفون آشنا شده‌اند یعنی به دلیل وجود شبکه‌های متعدد گزارشگران دیگری هم در سطح شهر هستند که نه تنها رادیو بلکه تلویزیون هم این جذابیت را ایجاد کرده و این فضا مهیا شده است که مردم از هر شبکه‌ای که بخواهند می‌توانند حرف‌هایشان را منتقل کنند. بنابراین فکر می‌کنم باید در کارگزارش تحول ایجاد کرد تا ارتباط بهتری با مردم برقرار شود و صمیمیت و ارتباطی که در گذشته وجود داشت دوباره برقرار شود. به رغم امکانات کم رادیویی برای تهیه گزارش در رادیو سعی می‌کنم گزارشم به بهترین شکل ممکن باشد و تلاش می‌کنم که ارتباط محبت‌آمیز و صمیمانه‌ای با مردم برقرار کنم. این چیزی است که من دنبالش هستم.

□ اولین گزارشی را که تهیه کردید به خاطر دارید؟

○ خانم عسکری: یادم هست که اولین بار که کار گزارش را شروع کردم مسئول گروه گزارش آقای نظام‌اسلامی بودند و به رغم مشغله فراوانی که داشتند سعی می‌کردند نکات مهم را به افرادی که برای آزمون گزارشگری می‌آیند بگویند. اما باز هم

□ از چه سالی کار در رادیو را شروع کردید و خلاصه‌ای از

سوابق و فعالیت‌هایی که در رادیو داشته‌اید بفرمایید؟

○ خانم عسکری: من از سال‌های ۶۵-۱۳۶۴ همکاری خود را با رادیو شروع کردم. در آن سال‌ها بعد از خانم گودرزی دومین گزارشگر رادیو بودم. تنها شبکه رادیویی، رادیو سراسری بود که گروه‌های مختلف برنامه‌سازی داشت. ما به تنهایی باید پاسخگوی همه آنها می‌بودیم و طوری وقتمان را تنظیم می‌کردیم که کسی ناراحت نشود و با همه گروه‌های اقتصادی، خانواده، دانش و حتی گروه کشاورزی همکاری داشتیم.

خانم رضایی: من در سال ۱۳۶۲ وارد رادیو شدم. نحوه ورود من به رادیو به این صورت بود که یکی از همکاران روابط عمومی مرا معرفی کرد و حکم مسئول روابط عمومی برای من زده شد. در آن زمان این حجم عظیم از شبکه‌ها نبود. مجموعه متشکل از روابط عمومی برنامه صدای آشنا، گروه گزارش و گروه خانه و خانواده بود. من با گروه برنامه صدای آشنا شروع کردم و قطعات ادبی (شعر) و تخیلی اجرا می‌کردم که برای ایرانیان خارج از کشور پخش می‌شد. بعد از مدتی به من گفتند که با وجود این شور و هیجان بهتر است به گروه گزارش بروید و آنجا فعالیت کنید. بنده هم پذیرفتم و در سال ۱۳۶۸ کار خود را با گروه گزارش آغاز کردم.

□ به نظر شما چه کاری در رادیو بهترین کار است؟

○ خانم رضایی: گزارشگری بهترین کار است.
○ خانم عسکری: اگر نظر من را چند سال پیش می‌پرسیدید، با خانم رضایی موافق بودم. ولی الان تا حدودی متفاوت فکر می‌کنم به دلیل اینکه فضای این کار را خیلی تجربه کرده‌ام. شرایط

جاهایی بود که از توضیح جا مانده بود مثلاً اینکه با دستگاه ناگرا باید چطور کار کرد. به خاطر دارم که به یکی از کلاس‌های نهضت سوادآموزی رفته بودم تا با خانم‌های سوادآموز گفت‌وگو کنم. به محض شروع گزارش، خانم‌ها شروع کردند به خندیدن و این قضیه چند بار تکرار شد، از طرفی هم دستگاه روشن نمی‌شد. در هر حال سعی کردم به این قضیه فیصله دهم و به جای گزارش یک فضای صمیمی فراهم کردیم و گپ و گفت‌وگویی با خانم‌ها داشتیم و اصلاً فراموش شد که من برای تهیه گزارش به آنجا رفته بودم. بعد از بازگشت به رادیو متوجه شدم که فراموش کرده بودم دکمه کوچکی را باید می‌زدم تا دستگاه روشن شود بزنم.

○ خانم رضایی: اولین گزارش من مصاحبه با خانم دباغ در منزل ایشان و در سالروز رحلت حضرت امام (ره) بود که ایشان با احساسات فراوان از خاطرات خودشان تعریف کردند. خاطره این گزارش در ذهن من هنوز باقی است.

□ فکر می‌کنید شنونده‌های رادیو از صدای شما چه تصویری دارند؟

○ خانم رضایی: بر اساس اظهارات شنونده‌ها، احساس شادی

هستید که از مسجد هامبورگ گزارش داشتید. همچنین در گزارش‌های تربیتی در خدمت دکتر افروز بودم. ایشان اصرار داشتند که گزارشگر برنامه ایشان باشم و حتی پیشنهاد کردند که به عنوان دانشجوی افتخاری ایشان در دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی مشغول به تحصیل شوم. خلاصه اینکه به نظر من کار ما تاحدودی سنگین‌تر از گزارشگری در تلویزیون است. چون ما تصویر نداریم باید تصویرسازی کنیم و پرسشی که می‌کنیم باید به شکلی باشد که مصاحبه‌شونده حتی اگر عقب‌مانده ذهنی است، شنونده متوجه آن شود.

□ با توجه به سوابق کاری‌تان، فکر می‌کنید که در زمینه گزارشگری صاحب‌سبک هستید؟ و آیا الگوی خاصی برای کارتان دارید؟

○ خانم عسکری: ریشه علاقه من به کار گزارشگری به قبل از ورود به رادیو برمی‌گردد. من یکی از شنونده‌های پروپاقرص سلام، صبح به خیر بودم و ساعت هفت صبح حتماً به این برنامه خصوصاً قسمت گزارش آن گوش می‌دادم. آقای شهریار با سبک خاصی که داشتند و با شادی و شوری که با شنونده‌ها صحبت

اگر قرار است در خیابان، وزارتخانه یا هر جای دیگری با شخصی یا شخصیتی صحبت کنم، اخلاق و رفتار، برخورد و نوع صحبت کردن و لحن کلام من نباید مغایر عرف درست جامعه باشد. شاید نقیصی در اخلاق اجتماعی وجود داشته باشد اما من که نماینده صدای یک رسانه ملی هستم، باید وجه صحیح هر چیزی را نشان بدهم

می‌کردند الگوی کارگزارش من قرار گرفتند. چون اعتقاد دارم گزارشگر موفق کسی است که بتواند لبخند روی لب‌های مخاطبان بیاورد. الان هم خوشحال هستم که لطف الهی شامل حال شد و بدون هر گونه دوره و یا کلاسی توانستم فردی باشم که دست کم بتوانم چیزی را که مخاطبان می‌خواهند از مردم و از مسئولان بگیرم و به مردم برگردانم و این خیلی مهم است.

○ خانم رضایی: من فکر می‌کنم که حرفه گزارشگری در رسانه بالاخص در رسانه رادیو که یک رسانه شنیداری است پویاترین و کارآمدترین کار است. پویایی این حرفه فرد را زنده نگه می‌دارد. روش من این است که قبل از تهیه گزارش و مصاحبه با هر فردی در هر تخصص و با هر موضوعی به سراغ مطالعه می‌روم و سعی می‌کنم با مبانی موضوع مورد نظر آشنا شوم، چون اعتقاد دارم که آگاهی من از موضوع کمک می‌کند مصاحبه‌شونده بهتر



و سرزندگی تصویری است که از صدای من دارند. البته من همیشه سعی می‌کنم با هیجان و انرژی شادی را انتقال دهم. به خاطر دارم که برای تهیه گزارش در خیابان به آقای کهنسالی گفتم که آقا شما تشریف می‌آورید به سؤال من جواب بدهید، ایشان گفتند «خانم رضایی، بله. بفرمایید». بعد من خیلی خوشحال شدم به ایشان گفتم شما مرا از کجا می‌شناسید؟ ایشان گفتند هر صبح صدای شما را می‌شنوم» و شروع به تشویق من کردند.

○ خانم عسکری: من حدود ده سال در آلمان بودم اما ارتباطم با رادیو همچنان با ارسال گزارش برقرار بود. در آنجا حضور یک زن گزارشگر برخلاف تصورشان در مورد وضعیت اجتماعی زنان در ایران بود، خیلی از آنها، من را می‌شناختند. حتی وقتی هم به ایران آمدم و فعالیت در رادیو را شروع کردم، افرادی که با آنها مصاحبه می‌کردم من را می‌شناختند و می‌گفتند شما همان خانمی

اطلاعات خود را در اختیار قرار دهد. علت این کار شاید همکاری با گروه‌های مختلف برنامه‌سازی است. از آنجایی که گزارشگری در رادیو تخصصی نشده است و گزارشگر با هر موضوع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... که گزارش تهیه می‌کند، باید کمترین اطلاعات ممکن را در این زمینه‌ها داشته باشد. ضمن اینکه اعتقاد داریم باید مجموعه‌ای از معلومات عمومی و اطلاعات اولیه را داشت، گزارشگر باید خودش باشد و از دیگران تقلید نکند ولی باید از تجارب کسانی که در این حرفه صاحب‌سبک هستند استفاده کند و فارق از مسائل پیرامون آن باشد. به نظر من مجموعه این عوامل خود سبک ایجاد می‌کند و شاید خودمان هم متوجه نشویم. البته ما به عنوان پیشکسوت در فضایی که بودیم خون دل خوردیم و دیگر گزارشگرانی مثل ما به وجود نمی‌آید. این حرف من از روی غرور نیست و برای آن دلیل دارم. در حال حاضر فضای موجود رادیو به گونه‌ای است که جوان‌پسندتر شده است. چون

می‌یابد. در واقع در حق قدیمی‌ها اجحاف شده و فقط جایی که باز هم نیاز به آنها پیدا کنند سراغ قدیمی‌ها می‌روند.

□ شما تا کنون به گزارش‌های خودتان از رادیو گوش کرده‌اید و آیا نواقصی در کار خودتان دیده‌اید؟

○ بعضی وقت‌ها داخل تاکسی که نشسته‌ام به طور اتفاقی صدای خودم را شنیده‌ام و اگر هم نواقصی بوده تلاش کرده‌ام که برطرف شود. حتی دوستان من به گزارش‌های من گوش می‌دهند و نقایص کار را می‌گویند و یا مشوق من هستند. در این سال‌های کار گزارشگری، خیلی از گزارش‌ها مورد استقبال شنونده‌ها قرار گرفته که از تلفن‌ها و نامه‌هایشان پیدا بود، و تعریف از خود نیست. اما حالا که تجربه ارزش سابق را ندارد و به جای آن دنبال تخصص هستند افراد دانشگاهی سعی می‌کنند دیدگاه کلاسیک و آکادمیک نسبت به کار داشته باشند و به نوعی شاید می‌خواهند بگویند که ما یک سروگردن از شما بالاتریم. البته ما نمی‌خواهیم حصری



تعریفی برای گزارشگر رادیو وجود ندارد گاهی کار گزارش رادیویی در قالب خبر دیده می‌شود و گمان می‌کنند که ما خبرنگار هستیم. اگرچه کار گزارشگری حساس‌تر از خبرنگاری است، ولی هنوز این حساسیت تشخیص داده نشده و اعتبار یک خبرنگار بیشتر از یک گزارشگر است

بکشیم که کسی وارد این محیط نشود بلکه همچنان می‌گوییم درها به روی پسران و دختران علاقه‌مند به رادیو باز است.

□ تعریف شما از معیارهای حرفه‌ای و اخلاقی در کارگزارگری چیست؟

○ خانم رضایی: هر کسی اعتقاد به معیارهای اخلاقی و حرفه‌ای دارد. اما تعریفی که گزارشگر می‌دهد باید با توجه به وجه اخلاقی گزارشگری در رادیو باشد و آن چیزی باشد که متضاد با عرف درست جامعه نباشد. مثلاً اگر قرار است در خیابان، وزارتخانه یا هر جای دیگری با شخصی یا شخصیتی صحبت کنم، اخلاق و رفتار، برخورد و نوع صحبت کردن و لحن کلام من نباید مغایر عرف درست جامعه باشد. شاید نقایصی در اخلاق اجتماعی وجود داشته باشد اما من که نماینده صدای یک رسانه ملی هستم، باید وجه صحیح هر چیزی را نشان بدهم. زیرا این رسانه به گفته

تخصص دارند ما هم از حضور آنان استقبال می‌کنیم، اما نه به قیمت نادیده گرفته شدن و زیر پا گذاشتن تجارب قدیمی‌ها. حرف من این است که اگر چه فضا عوض شده و یک فضای ارتباطاتی و تکنولوژیکی حاکم است و از آن احترامات خاصی که برای افراد با تجربه قائل بودیم خبری نیست، اما ما هم حرفی برای گفتن داریم. ما بچه‌های جنگ هستیم و سختی دیده‌ایم و فراز و نشیب‌ها را پشت سر گذاشتیم. همین آقای نظام‌اسلامی درحالی که مجروح شده بود به فکر دستگاه ناگرا بودند. این یعنی مسئولیت حرفه‌ای برای ما مقدم بر همه چیز است. حالا اگر قرار است تخصص‌گرایی باشد، ما اشکالی در آن نمی‌بینیم. ولی خواندن فقط یک چهارم کار است سه قسمت دیگر تجربه است. اجازه بدهید که تجربه و تخصص در کنار هم قرار گیرد و متخصص ما هم تجربه کسب کند. آن وقت است که توانمندی‌ها افزایش

حضرت امام(ره) یک دانشگاه است که براساس مجموعه اصول و اعتقاداتی شکل می‌گیرد و دارای شاخ و برگ‌های درست تربیتی است. پس اول ما باید خودمان عامل به رفتار و منش صحیح باشیم و بعد آموزش و تربیت را از رسانه پیگیری کنیم. اگر من فرد خیلی شادی هستم این شادی را باید کنترل کنم و باید مناسب و براساس چارچوب خاصی رفتار کنم - اگر غیر از این باشد مصاحبه شونده به من می‌گوید «اول شما بفرمایید به این سوآلی که می‌پرسی خودت معتقد هستی» - بنابراین رسانه زیر سؤال می‌رود. نتیجه اینکه این معیارهای اخلاقی در کار باید به گونه‌ای باشد که رسانه را زیر سؤال نبرد.

○ خانم عسکری: من هم فکر می‌کنم گزارشگر هرگز نباید جانبداری کند. یعنی رد یا قبول حرف‌های مصاحبه‌شونده در کار گزارشگر نباید قرار گیرد.

□ تعریف شما از ژورنالیسم رادیویی چیست؟

○ خانم رضایی: به نظر من این کلمه اشتباه است. ژورنالیست، خبرنگار و گزارشگری است که می‌تواند در مطبوعات و رسانه‌های نوشتاری فعالیت کند. در رسانه شنیداری ژورنالیسم اشتباه است و من با این کلمه نمی‌توانم مانوس شوم.

ژورنالیست رادیویی یعنی شما که این گزارش را مکتوب می‌کنید و من هم که در ارتباط با صدا هستم گزارشگر می‌شوم. بنابراین چیزی به اسم ژورنالیست رادیویی در قالب گزارشگر نمی‌توانیم تعمیم دهیم. تعریف من از گزارشگر رادیویی فردی است که با بهره‌مندی از یک برخورد متحورانه و بر مبنای اخلاق انسانی می‌تواند در مکان‌ها و فضاهای متفاوت برای سوآلات و ابهاماتی که در ذهن شنونده است و در ذهن خود آن را تصور می‌کند پاسخ صحیح و مناسب را بیابد و به شنونده انتقال دهد.

○ خانم عسکری: تعریفی برای گزارشگر رادیو وجود ندارد. گاهی کارگزارش رادیویی در قالب خبر دیده می‌شود و گمان می‌کنند که ما خبرنگار هستیم. اگرچه کار گزارشگری حساس‌تر از خبرنگاری است، ولی هنوز این حساسیت تشخیص داده نشده و اعتبار یک خبرنگار بیشتر از یک گزارشگر است.

□ فرق خبرنگار و گزارشگر چیست؟

○ خانم عسکری: کار خبرنگار هم می‌تواند مکتوب باشد و هم گفتاری. خبرنگار واقعیت‌هایی که رخ می‌دهد را تصویرسازی می‌کند. اما عمر خبر کوتاه است و شاید بتوان گفت که سرعت در انتقال آن اهمیت زیادی دارد اما گزارش می‌تواند مدت‌ها باقی بماند.

○ خانم رضایی: تفاوت خبرنگار و گزارشگر آن است که خبرنگار اجازه دارد که در ارتباط با رویدادها و خبر و رخدادهای مهم اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... را تهیه کند و بدون کم یا زیادکردن، آنچه را که اتفاق افتاده منعکس کند بدون اینکه از خلاقیت‌ها و ابتکارات ذهنی خود در آن استفاده کند.

اما گزارشگر اجازه دارد که یک رخداد مهم علمی و فرهنگی

مثل نمایشگاه کتاب را گزارش دهد و برداشت ذهنی خود را هم در انعکاس گزارش وارد کند.

□ از نظر شما تعریف سانسور در گزارش رادیو چیست؟ آیا اصلاً سانسور در گزارش رادیویی می‌تواند باشد؟

○ خانم رضایی: سانسور یعنی قلب، حقیقت را پنهان کردن و حذف کردن آنچه مردم باید بدانند. به نظر من در صداوسیما که یک دانشگاه است و دانشگاه برای تربیت و تعلیم افراد است، باید ارتباط مثبتی از طریق گزارش برقرار شود. در مورد سانسور در گزارش رادیویی شاید بتوان گفت ما تعریف خاصی از آن نداریم. اما آقای خجسته یک بار توضیحی برای این کلمه دادند که به دل من نشست. ایشان گفتند جامعه ما در برخی از موضوعات به سن رشد فرهنگی و اجتماعی و روان‌شناختی نرسیده است که هر حرفی را پخش کنیم. حالا اگر جامعه ما به آن درجه از رشد برسد که ظرفیت پذیرش و با شنیدن نظرها و دیدگاه‌های متفاوت را داشته باشد آن زمان دیگر این کلمه جایگاهی نخواهد داشت.

□ خانم عسکری با توجه به تجربه‌ای که در کشور آلمان داشته‌اید از فضایی که برای کار گزارشگری در آلمان برایتان مهیا شده بود و چگونگی ارسال گزارش برای رادیو بفرمایید.

○ خانم عسکری: نحوه فعالیت من برای ارسال گزارش از آلمان به این صورت بود که در مراسمی که به مناسبت‌های مختلف برگزار می‌شد شرکت می‌کردم و به طور زنده برای ایران گزارش ارسال می‌کردم. این گزارش‌ها شامل مصاحبه با افراد شرکت‌کننده در این مراسم بود که شامل افراد تازه مسلمان (ترک، عرب، آلمانی، ایرانی...) می‌شد؛ همچنین معرفی مکان‌هایی که محل اجتماع مسلمانان در خارج از کشور بود، نظیر مسجدی در شهر موستر و یا مسجد تاریخی هامبورگ که یک شب قبل از کریسمس مسلمانان در آنجا جمع می‌شوند. افرادی از ایران می‌آیند و پاسخگوی مسائل و ابهاماتی که مطرح می‌شود هستند. تلاش من هم در آنجا بر این بود که بتوانم گزارش‌های متعددی تهیه و به ایران ارسال کنم.

□ برای گزارشگران جوان رادیو و افرادی که تازه وارد این عرصه شده‌اند، به عنوان گزارشگر قدیمی رادیو کلام آخر را بفرمایید؟

○ خانم عسکری: من اعتقاد به یک اصل کلی دارم که کسی در کارش موفق است که اولاً به شغلی که انتخاب کرده علاقه مند بوده و در مرحله بعد پشتکار داشته باشد. البته اگر شما علاقه نداشته باشید اما پشتکار داشته باشید، باز هم موفق می‌شوید و نتیجه می‌گیرید. پیشنهاد می‌کنم که جوانان ما از تجارب دیگران استفاده کنند. اگر تخصص دارند بهتر است که تجربه هم کسب کنند، آن وقت است که کلید موفقیت را پیدا کرده‌اند.

○ خانم رضایی: حرف آخر من این است که در هر رده شغلی که هستید اول عشق خودتان را در آن حرفه در نظر بگیرید بعد آن را آمیخته به آگاهی‌ها و تجارب اساتید گذشته کنید.

